

بررسی چگونگی آگاهی، نگرش و عملکرد زنان شهر ایلام در بازیافت زباله

ماریارحیمی^۱

چکیده

با افزایش جمعیت جهان، تولید زباله به یک چالش بزرگ تبدیل شده و بازیافت به عنوان یکی از راهکارهای اصلی برای مقابله با این بحران، مورد توجه قرار گرفته است. از جمله عوامل موفقیت در زمینه بازیافت زباله، افزایش آگاهی عمومی و تغییر در نگرش شهروندان نسبت به این فرایند در جهت افزایش رفتارهای بازیافتی آنهاست. در این مطالعه تعداد ۳۸۴ نفر از شهروندان زن ۱۸ تا ۶۵ ساله در شهر ایلام به روش پیمایش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری شدند و با کمک آمارهای توصیفی و استنباطی نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که میانگین آگاهی زنان ایلام در مورد بازیافت زباله در سطح متوسط و نگرش آنها نسبت به این موضوع تقریباً مثبت است؛ با این حال، میزان رفتار بازیافتی زنان ایلام در حد متوسطی قرار دارد. این نتایج حاکی از آن است که اکثر زنان ایلام با بازیافت موافق هستند؛ اما به اندازه کافی به آن عمل نمی‌کنند؛ به عبارتی دیگر، شکافی بین آگاهی، نگرش و عمل آنها وجود دارد. بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که برای ارتقای فرهنگ بازیافت در شهر ایلام، برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌رسانی مستمر، ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تشویق و انگیزش شهروندان و همکاری بین‌بخشی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: رفتار بازیافتی، نگرش بازیافتی، آگاهی بازیافتی، بازیافت زباله، شهر ایلام.



مقدمه و بیان مسئله

مدیریت پسماند و بازیافت، نقشی حیاتی در حفظ محیط زیست و سلامت انسان ایفا می‌کند. افزایش جمعیت و الگوهای مصرف ناپایدار، منجر به تولید روزافزون زباله شده است. این موضوع، نه تنها منابع طبیعی را تهدید می‌کند؛ بلکه خطراتی جدی برای سلامت عمومی و اکوسیستم‌ها به همراه دارد. باید دانست که بازیافت و مدیریت پسماند به یک موضوع محلی با پیامدهای جهانی تبدیل شده است؛ چراکه با افزایش جمعیت در جهان، میزان تولید زباله نیز افزایش می‌یابد. در سال ۲۰۱۵، دو میلیارد تن زباله جامد در جهان تولید شد. پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۳/۴ میلیارد تن افزایش یابد. در کشورهای کم‌درآمد نیز انتظار می‌رود میزان تولید زباله تا سال ۲۰۵۰ بیش از سه برابر باشد (کازا و همکاران، ۲۰۲۰: ۳). این حجم عظیم از زباله‌ها، برای محیط زیست و سلامت انسان‌ها تهدیدی جدی محسوب می‌شود و باید به دنبال راهکارهای مناسب جهت مقابله با آن بود؛ در این خصوص راهکارهای مختلفی وجود دارد، از جمله: فردی، اجتماعی، صنعتی و دولتی. شاید بتوان گفت که راهکارهای اجتماعی، نقش محوری‌تری در مقابله با بحران زباله ایفا می‌کنند؛ چراکه نقشی جمعی دارند و اعمال آنها، تغییر نگرش و رفتار افراد را در پی دارد که خود منجر به ایجاد یک جامعه پایدار و دوستدار محیط زیست می‌شود. مهمترین موضوع در راهکارهای اجتماعی، بازیافت زباله است. این فرایند، اقلامی که قبلاً استفاده شده‌اند، جمع‌آوری می‌شوند و پس از فرآوری، مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرند (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰). انجام این فرایند همواره با مشکلاتی مواجه بوده و هیچ‌گاه به صورت اصولی محقق نشده است. عمده‌ترین دلایلی که می‌توانند به موانعی برای بازیافت تبدیل شوند، عبارتند از: عدم وجود سیاست‌هایی که دولت‌ها در این زمینه اتخاذ می‌کنند، عدم وجود منابع انسانی و فناوری‌های لازم، عدم آموزش خانوار، عدم وجود بازار فروش برای محصولات بازیافتی، کمبود منابع مالی دولت و خانواده، نحوه مدیریت غیراصولی پسماندهای جامد و آموزش پرسنل دخیل در این کار (مولونی و بولان، ۲۰۱۶: ۳۴۹).

باید اشاره کرد که دولت‌ها و سازمان‌های مربوط نقش مهمی در تسهیل فرایند بازیافت ایفا می‌کنند؛ اما نقش شهروندان به عنوان تولیدکنندگان اصلی زباله در این فرایند ضعیف است. بدون مشارکت فعال آنها در کاهش تولید زباله و تفکیک زباله‌ها در مبدأ، دستیابی به اهداف بازیافت امکان‌پذیر نخواهد بود. گفتنی است که رویکردهای مشارکت‌محور در بخش‌های مختلفی از کلان‌شهرهای دنیا منجر به آن شده است که کمتر برنامه ملی و بین‌المللی‌ای وجود داشته باشد که یکی از بخش‌های مهم برنامه‌ریزی آن، مشارکت اجتماعی مردم نباشد؛ به عبارتی، مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که به نقش فعال، خلاق و اثربخش مردم در توسعه توجه دارد؛ در واقع مشارکت فرایندی است که دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۲۵۴)؛ به این ترتیب می‌توان گفت که یکی از حوزه‌های شهری که امروزه به شدت نیازمند مشارکت همگانی شهروندان است، بحث تولید زباله و مدیریت آن است (مصطفی‌پور و خدابخش،



۱۳۹۹:۳۹۶). یکی از مهمترین عوامل در جلب مشارکت عمومی نیز اجرای برنامه‌هایی با هدف افزایش سطح آگاهی مردم در زمینه تفکیک زباله از مبدأ است. اگرچه نتایج برخی از مطالعات نشان داده است که آموزش چهره به چهره، اثربخشی بیشتری در جلب مشارکت مردم دارد؛ اما استفاده از فناوری‌های آموزشی و رسانه‌های گروهی نیز استمرار و پوشش بیشتر و هزینه به مراتب کمتری خواهد داشت. برنامه‌های آموزشی با ایجاد درک صحیح از اثرات بهداشتی و زیست‌محیطی پسماند، آگاهی، شناخت و انگیزه مردم در انجام رفتارهای محیط زیست‌پسندانه و مشارکت در تفکیک زباله از مبدأ را بیشتر می‌کند و آنها را با شیوه‌های اجرایی مشارکت آشنا می‌نماید (پریماکومارا، ۲۰۱۱). به این دلیل است که گفته می‌شود، مطالعه در خصوص آگاهی، نگرش و رفتار مردم نسبت به بازیافت از اهمیت بالایی برخوردار است. این گونه مطالعات کمک می‌کنند تا میزان علاقه‌مندی مردم به مشارکت در برنامه‌های مربوط به بازیافت سنجیده شود و بر اساس آن، استراتژی‌های مؤثر برای مدیریت پسماند تدوین گردد. با افزایش آگاهی عمومی و تغییر نگرش مردم، می‌توان به موفقیت بیشتری در زمینه عملکرد بازیافت دست یافت؛ به عبارتی دیگر، آگاهی و نگرش مثبت مردم، کلید اصلی موفقیت در هر برنامه بازیافتی است. در این بین، زنان به عنوان مدیران خانه، نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. آنها می‌توانند با اصلاح الگوی مصرف و آموزش اعضای خانواده، به طور قابل توجهی به کاهش تولید زباله و افزایش میزان بازیافت کمک کنند.

زنان به عنوان مدیران اصلی خانه‌ها، نقش بسیار مهمی در مدیریت پسماند و کاهش تولید زباله دارند. تصمیم آنها در مورد خرید، نگهداری مواد غذایی و دفع زباله‌ها، به طور مستقیم بر میزان تولید زباله به وسیله اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. آنها می‌توانند با تغییر الگوهای مصرف و آموزش اعضای خانواده، نقش مؤثری در ترویج فرهنگ بازیافت و کاهش تولید زباله داشته باشند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری در جهت توانمندسازی زنان و افزایش آگاهی آنها در زمینه محیط زیست، از راهکارهای مؤثر در بهبود وضعیت مدیریت پسماند است؛ به این ترتیب، با توجه به اهمیت روزافزون مدیریت پایدار پسماند و نقش کلیدی زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوار، پژوهش حاضر بر پایه این سؤال شکل گرفته است که وضعیت آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی زنان شهر ایلام چگونه است؟ با شناخت عمیق‌تر از عوامل مؤثر بر آگاهی، نگرش و رفتار افراد در زمینه بازیافت، می‌توان برنامه‌های آموزشی و ترویجی مؤثری را طراحی و اجرا کرد. با انجام پژوهش‌هایی در این زمینه، علاوه بر ارتقای سطح آگاهی عمومی و تغییر نگرش‌ها، می‌توان به مسئولان و برنامه‌ریزان شهری نیز اطلاعات ارزشمندی جهت تدوین سیاست‌های مناسب در زمینه مدیریت پسماند ارائه داد. به این صورت است که می‌توان به بهبود مدیریت پسماند شهری و دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک شایانی نمود.

پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات پیشین، اعم از داخلی و خارجی، نقش بسزایی در شکل‌دهی و جهت‌دهی به هرگونه تحقیقی را ایفا می‌کنند و با ارائه تصویری از وضعیت دانش موجود، به محقق کمک می‌نمایند تا جایگاه تحقیق خود را مشخص کند و از تکرار پرهیز نماید؛ علاوه بر این، بررسی



پژوهش‌های قبلی، امکان شناسایی نقاط قوت و ضعف آنها را فراهم می‌سازد و به محقق در انتخاب روش‌های تحقیق مناسب و پرهیز از اشتباهات پیشین کمک می‌کند. در ادامه، به برخی از جدیدترین مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش حاضر اشاره می‌شود:

۱- پیشینه مطالعات داخلی

اکبری و همکارانش (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد زنان شهر کاشان در خصوص بازیافت مواد زائد»، با استفاده از پرسشنامه و نمونه‌گیری تصادفی از ۳۳۸ زن نشان دادند، اگرچه آگاهی و نگرش نسبت به بازیافت در بین زنان کاشانی در سطح مناسبی قرار دارد؛ اما عملکرد آنها در این زمینه نیاز به بهبود دارد. میزان تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل و مالکیت مسکن نیز بر میزان آگاهی و عملکرد افراد در زمینه بازیافت تأثیرگذار است؛ به طور کلی، این مطالعه نشان داد که زنان کاشانی پتانسیل بالایی برای مشارکت در فعالیت‌های بازیافتی دارند و با ارائه آموزش‌های هدفمند و ایجاد تسهیلات مناسب می‌توان عملکرد آنها را در این زمینه ارتقا داد.

گراوند و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود با عنوان «بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه‌دار شهر کوه‌دشت در خصوص بازیافت پسماند در سال ۱۳۹۸»، با استفاده از پرسشنامه و نمونه‌گیری تصادفی از ۴۰۳ زن خانه‌دار، نشان دادند که میزان آگاهی و عملکرد زنان در زمینه بازیافت، ضعیف و نگرش آنها، متوسط است. این یافته‌ها حاکی از آن است که آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد روش‌های صحیح دفع پسماند و اهمیت بازیافت، به‌ویژه برای زنان خانه‌دار به عنوان گروهی تأثیرگذار در خانواده، ضروری است. آنها پیشنهاد داده‌اند که سازمان‌های مسئول باید آگاه‌سازی شهروندان را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند تا بتوان به ارتقای سطح آگاهی و عملکرد مردم در زمینه بازیافت کمک کرد.

حاجی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد شرکت-کندگان در طرح بازیافت پسماندهای خانگی در شهر حسن‌آباد در سال ۱۳۹۶»، با استفاده از پرسشنامه و نمونه‌گیری از ۲۵ خانوار در محله‌های انتخاب‌شده از پنج منطقه شهر، نشان دادند که اگرچه سطح آگاهی زنان نسبت به بازیافت خوب بوده؛ اما نگرش آنها، متوسط و عملکردشان، ضعیف ارزیابی شده است. محققان پیشنهاد کردند که برای افزایش سطح مشارکت زنان در بازیافت، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های تشویقی؛ همچنین بهبود عملکرد مدیریت پسماند شهری ضروری است.

قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی نقش شهروندی زیست‌محیطی زنان بر بازیافت زباله‌های خانگی در شهر شیراز»، با استفاده از پرسشنامه و نمونه‌گیری از ۴۰۰ زن ساکن در مناطق مختلف شهر، نشان دادند که بین شهروندی زیست‌محیطی زنان و اقدامات بازیافتی آنها، رابطه مستقیمی وجود دارد و هرچه زنان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به محیط زیست داشته باشند و خود را به عنوان بخشی از طبیعت در نظر بگیرند (خود بوم‌شناختی)، تمایل بیشتری به بازیافت زباله‌های خانگی از خود نشان می‌دهند؛ از سوی دیگر، هرچه ردپای



اکولوژیکی افراد بیشتر باشد؛ یعنی مصرف منابع طبیعی و تولید زباله بیشتر باشد، تمایل کمتری به بازیافت وجود دارد. این مطالعه حاکی از آن است که تقویت احساس مسئولیت زیست‌محیطی در زنان می‌تواند به افزایش میزان بازیافت در جامعه کمک کند.

۲- پیشینه مطالعات خارجی

مطالعه کاتوا و همکاران (۲۰۱۹) با هدف بررسی موانع گسترش بازیافت در فلسطین؛ به‌ویژه در منطقه رام‌الله و البیره انجام شد. این مطالعه نشان داد که فقدان آگاهی و اطلاعات در مورد بازیافت، یکی از مهمترین موانع مشارکت مردم در این فرایند است و در مقابل، انگیزه‌های مالی، مانند دریافت پاداش یا تخفیف، عاملی قوی برای تشویق مردم به بازیافت محسوب می‌شود. نتایج این تحقیق تأیید می‌کند که عوامل اجتماعی - اقتصادی، مانند جنسیت، سطح تحصیلات، سن و محل سکونت بر میزان مشارکت افراد در بازیافت تأثیرگذار هستند؛ به‌طور کلی، این مطالعه نشان می‌دهد که با افزایش آگاهی عمومی و ارائه انگیزه‌های مناسب، می‌توان مشارکت مردم در برنامه‌های بازیافت را افزایش داد.

آنیامنگا و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود به بررسی دانش، نگرش و عملکرد خانوارها در زمینه دفع زباله‌های خانگی در شهرداری وا در غنا پرداختند. این مطالعه نشان داد که اکثر خانوارها زباله‌های خود را به صورت مخلوط و نامرتب در ظروف بسته نگهداری می‌کنند. متداول‌ترین روش دفع زباله در این منطقه، سوزاندن و سطح آگاهی خانوارها در مورد کاهش و تفکیک زباله بسیار پایین است. سن افراد هم بر نحوه دفع زباله تأثیر دارد. در مجموع، این مطالعه نشان می‌دهد که بهبود مدیریت پسماند در این منطقه، به آموزش و اجرای قوانین دقیق‌تر در زمینه دفع زباله نیاز دارد.

مطالعات ذکر شده نشان دادند که زنان نقشی محوری در مدیریت پسماند ایفا می‌کنند این اهمیت، پژوهشگران را بر آن داشته است تا با استفاده از روش‌های متنوعی چون: پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل‌های آماری، به بررسی عمیق‌تر آگاهی، نگرش و عملکرد زنان در زمینه بازیافت بپردازند. نتایج این مطالعات حاکی از آن است که عوامل اجتماعی - اقتصادی، مانند سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و درآمد، تأثیر قابل توجهی بر نگرش و رفتار افراد در زمینه بازیافت دارند.

از آنجایی که چنین مطالعه‌ای در خصوص شهروندان شهر ایلام انجام نشده است، مطالعه حاضر با استفاده از نتایج مطالعات پیشین، آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی زنان شهر ایلام را مورد مطالعه قرار می‌دهد که یقیناً نتایج آن در مدیریت شهری مفید فایده خواهد بود.

مبانی نظری پژوهش

افزایش بی‌رویه تولید زباله در سراسر جهان به چالشی جدی و فراگیر تبدیل شده است. این بحران صرفاً زیست‌محیطی نیست؛ بلکه چالشی اجتماعی هم محسوب می‌شود که هر



شهروندی را برای رفع آن به مشارکت دعوت می‌کند؛ بر این اساس، رویکردهای نظری متعددی جهت تبیین رفتارهای شهروندان مطرح شده است (مایرز و تونگ، ۲۰۲۲).

یکی از نظریه‌های پرکاربرد در این زمینه، «رفتار برنامه‌ریزی شده» از آیزک آزجن^۱ است؛ این نظریه، مدلی مبتنی بر ارزش و انتظار است که فرض می‌کند نگرش‌ها، از طریق قصد انجام یک رفتار و تحت تأثیر عواملی مانند نگرش نسبت به آن رفتار، هنجارهای اجتماعی و احساس کنترل بر انجام آن رفتار، به طور مستقیم بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند (مانتی و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۲۸)؛ به عبارتی ساده‌تر، این نظریه بر این باور است که تصمیم برای انجام کاری (مثل بازیافت زباله یا ورزش کردن) به عوامل مختلفی بستگی دارد. این عوامل، نظر شخصی ما و نظر اطرافیانمان درباره آن کار را شامل می‌شود و اینکه فکر می‌کنیم انجام آن کار تا چه حد برای ما آسان یا سخت است.

باید اشاره کرد که نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، تکمیل‌کننده نظریه «عمل منطقی» است. هر دو نظریه بر اهمیت قصد در انجام یک رفتار تأکید دارند؛ اما نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده یک قدم جلوتر رفته و عامل دیگری به نام «کنترل درک شده» را نیز به این معادله اضافه کرده است. این عامل نشان می‌دهد که فرد تا چه اندازه احساس می‌کند که می‌تواند بر انجام آن رفتار کنترل داشته باشد؛ در حقیقت، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نشان می‌دهد که توانایی فرد در انجام یک رفتار نیز به همان اندازه مهم است.

نظریه عمل منطقی^۲ که توسط مارتین فیشبین و آیزک آزجن در سال ۱۹۷۵ ارائه شد، یکی از تأثیرگذارترین مدل‌ها در زمینه رفتار انسانی است و به طور گسترده در زمینه‌های مختلفی، از جمله: روانشناسی اجتماعی، بازاریابی و بهداشت استفاده شده است؛ در حقیقت این نظریه یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌ها جهت اندازه‌گیری اهداف اخلاقی است (لئوناردو و همکاران، ۲۰۰۴) و با تمرکز بر اهداف فردی، تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که چرا افراد رفتارهای خاصی را انتخاب می‌کنند (آزجن و فیشبین، ۱۹۸۰؛ دوینسکی و لوکن، ۱۹۸۹). عوامل انگیزشی به عنوان متغیرهای مؤثر بر اهداف، نشانگر شدت و جهت‌گیری تلاش فرد برای دستیابی به یک رفتار خاص هستند (آزجن و فیشبین، ۱۹۸۰). بر اساس نظریه عمل منطقی، اهداف رفتاری تحت تأثیر متغیرهای نگرش و هنجارهای ذهنی شکل می‌گیرند (آونگ و همکاران، ۲۰۱۶).

نگرش، ارزیابی فردی از یک رفتار و بیانگر احساسات مثبت یا منفی شخص نسبت به آن رفتار است و در مقابل، هنجارهای انتزاعی، باورهای فرد در مورد آنچه دیگران از او انتظار دارند و انگیزه او برای انطباق با این انتظارات را نشان می‌دهند (کارپنتر و ریمرز، ۲۰۰۵؛ فرانسیس، ۲۰۰۴). مطالعات گذشته نشان می‌دهند که نگرش در بروز رفتار، یک عامل اثرگذار و مهم برای اهداف رفتاری محسوب می‌شود (آزجن و فیشبین، ۱۹۸۰؛ بوچان، ۲۰۰۵؛ دال و آزجن، ۱۹۹۲؛ هادردینگ و همکاران، ۲۰۰۷).

نظریه عمل منطقی، چارچوب قدرتمندی را برای درک و پیش‌بینی رفتارهای انسانی، از جمله

1. Icek Ajzen

2. Theory of Reasoned Action



رفتار بازیافت زباله ارائه می‌دهد. این نظریه با تمرکز بر اهداف فردی به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا افراد تصمیم می‌گیرند زباله‌های خود را بازیافت کنند یا بازیافت نکنند. بر اساس این نظریه، دو عامل اصلی بر تصمیم افراد برای بازیافت تأثیر می‌گذارد: نگرش و هنجارهای ذهنی. نگرش به معنای احساسات مثبت یا منفی فرد نسبت به بازیافت است. اگر فرد به فواید محیط زیستی بازیافت اعتقاد داشته باشد و آن را یک کار ارزشمند بداند، احتمال اینکه به این رفتار اقدام کند، بیشتر است. هنجارهای ذهنی نیز به باورهای فرد درباره اینکه دیگران چه انتظاری از او دارند اشاره دارد. اگر فرد احساس کند اطرافیان، دوستان و خانواده‌اش از او انتظار دارند که بازیافت کند، احتمال اینکه او نیز به این رفتار روی آورد، افزایش می‌یابد.

عوامل انگیزشی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری اهداف بازیافت ایفا می‌کنند. این عوامل می‌توانند شامل پاداش‌های درونی مانند احساس رضایت از کمک به محیط زیست یا پاداش‌های بیرونی مانند تخفیف در قبض‌های زباله باشند. هرچه انگیزه فرد برای بازیافت بیشتر باشد، احتمال اینکه او به این رفتار پایبند بماند، بیشتر خواهد بود.

در نهایت باید گفت که نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، نقش مهمی در درک انگیزه‌های افراد برای انجام رفتارهای محیط زیستی مانند بازیافت دارد. بر اساس این نظریه، سه عامل اصلی در تصمیم‌گیری افراد برای بازیافت دخیل هستند: اول، هنجارهای ذهنی یا به عبارتی، تصور و باوری که فرد از رفتار سایر افراد مهم در زندگی‌اش (مانند خانواده و دوستان) در مورد بازیافت دارد و می‌توان گفت که منجر به نوعی «آگاهی» در او می‌شود؛ دوم، «نگرش» مثبت نسبت به بازیافت است. این دو عامل در کنار هم باعث ایجاد عامل سوم؛ یعنی احساس توانایی در فرد در فرایند بازیافت می‌شوند؛ بنابراین می‌توان تعاریف مفهومی سه متغیر آگاهی بازیافتی، نگرش بازیافتی و رفتار بازیافتی را به صورت زیر ارائه داد:

۱- رفتار بازیافتی (Recycling Behavior)

به مجموعه اعمال و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که فرد به منظور جمع‌آوری، تفکیک و پردازش مواد قابل بازیافت انجام می‌دهد. این رفتار شامل مراحل جداسازی زباله‌های قابل بازیافت از زباله‌های معمولی، شستشو و آماده‌سازی مواد قابل بازیافت و تحویل آنها به مراکز بازیافت یا قرار دادن آنها در سطل‌های مخصوص بازیافت می‌شود (آزجن، ۱۹۹۱).

۲- آگاهی بازیافتی (Recycling Awareness)

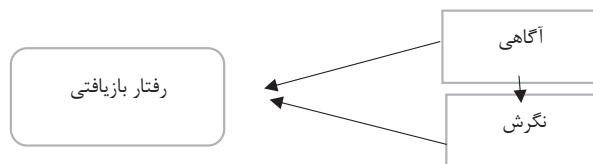
به میزان اطلاعات و دانشی گفته می‌شود که فرد در مورد بازیافت، فرایند آن، اهمیت آن برای محیط زیست و نحوه صحیح انجام آن دارد. این آگاهی می‌تواند شامل اطلاعاتی در مورد انواع مواد قابل بازیافت، نحوه تفکیک آنها و تأثیر بازیافت بر کاهش آلودگی محیط زیست و حفظ منابع طبیعی باشد (تانگلت و همکاران، ۲۰۰۴).



۳- نگرش بازیافتی (Recycling Attitude)

به احساسات، باورها و ارزیابی‌های کلی فرد نسبت به بازیافت گفته می‌شود. این نگرش می‌تواند مثبت یا منفی باشد و بر تمایل فرد به انجام رفتار بازیافتی تأثیر بگذارد. نگرش مثبت به بازیافت معمولاً با باور به اهمیت آن برای محیط زیست و فواید آن برای جامعه همراه است (آزجن و فیش‌بین، ۱۹۸۰).

به این ترتیب می‌توان نموداری به صورت زیر برای راهنمای عمل مطالعه حاضر بر اساس نظریات مطرح شده، ترسیم کرد که این پژوهش بر اساس آن پیش برده شده است:



نمودار (۱). چگونگی رابطه آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی شهروندان

بر این اساس سؤالات و فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح شده‌اند:

سؤالات

- میزان آگاهی شهروندان از مزایای بازیافت چقدر است؟
- میزان نگرش شهروندان درباره مزایای بازیافت چقدر است؟
- میزان رفتار بازیافتی شهروندان چقدر است؟

فرضیه‌ها

- آگاهی بیشتر از مزایای بازیافت، نگرش مثبت‌تری نسبت به بازیافت را به دنبال دارد.
- آگاهی بیشتر از مزایای بازیافت، رفتار مثبت‌تری نسبت به بازیافت را به دنبال دارد.
- نگرش مثبت به بازیافت، رفتار بازیافتی بیشتری را به دنبال دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش ضمن استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای، از روش مطالعه پیمایش نیز بهره گرفته شده است. در پژوهش پیمایشی، محقق با هنر و علم پرسش و مشاهده رفتارها به منظور کسب اطلاعات سروکار دارد. در این گونه پژوهش‌ها، محقق شرایط فعلی را بررسی می‌کند تا مسائل جاری در پرتو آن روشن شود و در پی گردآوری داده‌های کامل‌تر و مناسب‌تر درباره شرایط فعلی برمی‌آید تا به شناخت کامل‌تری از وضعیت در زمان حال و آینده برسد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۲۹۴).



جامعه آماری به مجموعه‌ای از افراد، اشیاء، اعداد یا چیزهایی گفته می‌شود که حداقل در یک ویژگی، مشترک باشند و محقق علاقمند است یافته‌های پژوهش را به آنها تعمیم دهد (همان: ۲۴۴). جامعه آماری در پژوهش حاضر، زنان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر ایلام هستند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران کمک گرفته شد و تعداد ۳۸۴ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. روال کار نمونه‌گیری به صورت زیر بود:

- جامعه آماری: زنان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر ایلام را شامل می‌شود.

- خوشه‌ها: شهر ایلام که دارای دو منطقه شهرداری ۱ و ۲ است.

- زیرمجموعه‌ها: هر منطقه به کوچه‌ها و خیابان‌های مختلف تقسیم شدند.

- نمونه‌گیری: به صورت تصادفی تعدادی از مناطق انتخاب شد؛ سپس از هر منطقه به صورت تصادفی، تعدادی کوچه یا خیابان و در نهایت تعدادی زن در هر کوچه یا خیابان انتخاب شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده در مطالعه حاضر، پرسشنامه بود که به صورت اختصاصی و برای دستیابی به اهداف مطالعه طراحی گردید. در فرایند طراحی پرسشنامه، از نظرات متخصصان و همکاران در این زمینه بهره گرفته شد تا از روایی و پایایی آن اطمینان حاصل شود.

در نهایت پرسشنامه در سه بخش آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی شهروندان تقسیم‌بندی شد و گویه‌های هر کدام از آنها به شرح زیر تنظیم شدند:



جدول شماره (۱). متغیرهای پرسشنامه و گویه‌های آنها

متغیرهای پرسشنامه	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
آگاهی	از اهمیت بازیافت زباله آگاه هستم.	۰/۹۵۹
	بازیافت زباله به حفظ محیط زیست کمک می‌کند.	
	آگاهی کافی در مورد انواع زباله‌های قابل بازیافت دارم.	
	بازیافت می‌تواند به کاهش مصرف انرژی منجر شود.	
	بازیافت به ایجاد اشتغال کمک می‌کند.	
	می‌دانم که برای بازیافت، زباله‌ها باید جدا شوند.	
	می‌دانم که پس از جمع‌آوری، زباله‌های قابل بازیافت به کجا منتقل می‌شوند.	
	از وجود مراکز بازیافت در محل زندگی‌ام آگاه هستم.	
	با مراحل بازیافت زباله آشنا هستم.	
	نشانه‌های بازیافت روی محصولات مختلف را می‌شناسم.	
به دوستان و خانواده‌ام در مورد اهمیت بازیافت آموزش می‌دهم.		
نگرش	بازیافت یکی از مهمترین کارهایی است که هر فرد برای حفظ محیط زیست می‌تواند انجام دهد.	۰/۹۶۰
	به نظر من، بازیافت باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود.	
	احساس خوبی دارم وقتی می‌دانم که با بازیافت به محیط زیست کمک می‌کنم.	
	حاضر هستم برای ترویج فرهنگ بازیافت تلاش کنم.	
	به نظر من، یکی از دلایل اصلی عدم بازیافت، عدم وجود امکانات کافی است.	
	فکر می‌کنم که مردم به اندازه کافی در مورد فواید بازیافت آگاه نیستند.	
	تفکیک زباله‌ها نیاز به زمان و تلاش بیشتری دارد.	
	ممکن است خرید کیسه‌های زباله رنگی یا سطل‌های مخصوص برای تفکیک زباله‌ها هزینه‌هایی را به همراه داشته باشد.	
	سیستم‌های پاداش‌دهی برای تشویق مردم به بازیافت، به اندازه کافی توسعه نیافته است.	
	حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده بسیار مهم است.	
	نگران آلودگی محیط زیست هستم.	
	حاضر هستم برای حفظ محیط زیست از برخی راحتی‌های خودم بگذرم.	
معتقدم که هر اقدامی، حتی کوچک، می‌تواند در بهبود محیط زیست مؤثر باشد.		
احساس می‌کنم که نسبت به محیط زیست مسئول هستم.		
رفتار	به طور مرتب زباله‌های خشک و تر را از هم جدا می‌کنم.	۰/۹۵۸
	در منزل من، سطل‌های جداگانه‌ای برای زباله‌های قابل بازیافت وجود دارد.	
	به طور منظم زباله‌های قابل بازیافت را به مراکز جمع‌آوری تحویل می‌دهم.	
	به دنبال محصولات با بسته‌بندی‌های قابل بازیافت هستم.	
	از خرید محصولاتی که بسته‌بندی‌های غیرقابل بازیافت دارند، خودداری می‌کنم.	
	در برنامه‌های جمع‌آوری کاغذ باطله یا پلاستیک شرکت می‌کنم.	
	هنگام بیرون رفتن از منزل، زباله‌هایم را در سطل‌های مخصوص می‌اندام.	
	از استفاده از ظروف یکبار مصرف خودداری می‌کنم.	
سعی می‌کنم از حمل کیسه‌های پلاستیکی اضافی خودداری کنم.		

با توجه به نتایج تحلیل پایایی، مشخص شد که تمامی مقیاس‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر، از پایایی بسیار بالایی برخوردار هستند. مقدار ضریب آلفای کرونباخ نزدیک به ۰,۹۶ برای هر یک از مقیاس‌ها، گویای آن است که سؤالات هر مقیاس به خوبی با یکدیگر



همبستگی دارند و یک مفهوم واحد را اندازه‌گیری می‌کنند. این یافته حاکی از آن است که ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر، پایا و قابل اعتماد است و می‌توان به نتایج حاصل از آن اطمینان کرد.

روش تجزیه و تحلیل داده

برای دستیابی به اهداف پژوهش و بررسی دقیق داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، از نرم‌افزار آماری SPSS بهره گرفته شد. پس از وارد کردن داده‌ها به نرم‌افزار و انجام مراحل پاکسازی و کدگذاری، تحلیل‌های توصیفی شامل محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد برای توصیف ویژگی‌های نمونه انجام شد. در ادامه، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش و بررسی روابط بین متغیرها، از آزمون‌های آماری متناسب، همچون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها، به درک بهتر پدیده مورد مطالعه و ارائه پاسخ‌های دقیق‌تری به سؤالات و فرضیات پژوهش کمک می‌کند و زمینه را برای ارائه پیشنهادات کاربردی فراهم می‌آورد.

یافته‌ها

در این مطالعه، تعداد ۳۸۴ نفر از زنان شهروند شهر ایلام مورد بررسی قرار گرفتند که اطلاعات جمعیت‌شناختی آنها به شرح جداول زیر است:

از این تعداد، ۱۰/۹ درصد تحصیلات زیر دیپلم، ۷/۰ درصد دیپلم، ۱۶/۴ درصد کاردانی، ۳۱/۸ درصد کارشناسی، ۲۲/۴ درصد کارشناسی ارشد و ۱۱/۵ درصد دکتری داشتند. از نظر وضعیت تأهل هم ۷۲/۴ درصد از آنها متأهل و ۲۷/۶ درصد مجرد بودند. از نظر وضعیت شغلی نیز ۰/۳ درصد دانشجو، ۳۳/۶ درصد کارمند، ۵۰/۰ درصد خانه‌دار و ۱۶/۱ درصد بدون شغل بودند.

در ادامه، با استفاده از آمارهای توصیفی، وضعیت آگاهی، نگرش و رفتار شهروندان نسبت به بازیافت زباله بررسی شد. این آمارها کمک می‌کنند تا تصویری کلی از دانش، باورها و اقدامات عملی شهروندان در زمینه بازیافت حاصل شود (جدول شماره ۲):

جدول شماره (۲). وضعیت آگاهی، نگرش و رفتار زنان شهر ایلام در مورد بازیافت زباله

متغیر	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین
آگاهی	۴/۱۸	۱/۵۵	۰/۸۵۹۷۶	۲/۹۲۸۵
نگرش	۲	۱	۰/۳۸۷۹۳	۱/۵۰۹۷
رفتار	۴/۳۳	۱/۵۶	۰/۹۷۲۰۰	۳/۱۴۵۳

مطابق با آمارهای بالا می‌توان گفت که میانگین آگاهی زنان شهر ایلام در مورد بازیافت زباله برابر با ۲/۹۳ درصد است که نشان می‌دهد سطح آگاهی در بین زنان شهر ایلام در مورد این موضوع نسبتاً متوسط است. پراکندگی داده‌ها (انحراف استاندارد ۰/۸۶) نشان می‌دهد که



اختلاف زیادی بین کمترین و بیشترین میزان آگاهی وجود دارد.

میانگین نگرش زنان شهر ایلام نسبت به بازیافت زباله برابر با ۱/۵۱ درصد است که نشان‌دهنده نگرش نسبتاً مثبت نسبت به این موضوع است. با توجه به محدوده مقیاس (۱ تا ۲)، این میانگین نشان می‌دهد که اکثر زنان ایلام با بازیافت موافق هستند.

میانگین رفتار بازیافتی زنان ایلام برابر با ۳/۱۵ است که نشان می‌دهد به طور متوسط به بالا، زنان ایلام رفتارهای بازیافتی را تا حدودی انجام می‌دهند. پراکندگی داده‌ها (انحراف استاندارد ۰/۹۷) نشان می‌دهد که اختلاف زیادی بین کمترین و بیشترین میزان رفتار بازیافتی وجود دارد؛ به این ترتیب:

- با مقایسه میانگین آگاهی و رفتار، می‌توان گفت که به طور کلی، زنان ایلام تمایل بیشتری به انجام رفتارهای بازیافتی نسبت به سطح آگاهی خود دارند. این نتیجه می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر رفتار افراد باشد.

- میانگین نگرش و رفتار نیز با هم همخوانی دارد؛ یعنی زنانی که نگرش مثبت‌تری نسبت به بازیافت دارند، تمایل بیشتری به انجام رفتارهای بازیافتی از خود نشان می‌دهند.

نتایج آزمون‌های استنباطی

با توجه به نتایج حاصل شده، می‌توان فرض کرد که بین سطح آگاهی زنان ایلام در مورد بازیافت، نگرش آنها نسبت به آن و میزان رفتار بازیافتی آنها، رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر، انتظار می‌رود زنانی که آگاهی بیشتری در مورد بازیافت دارند، نگرش مثبت‌تری نسبت به آن داشته باشند و در نتیجه رفتار بازیافتی بیشتری از خود نشان دهند.

برای بررسی دقیق‌تر این فرضیه و تعیین میزان همبستگی بین متغیرهای آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی، می‌توان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده کرد. این آزمون به ما امکان می‌دهد تا قدرت و جهت رابطه بین دو متغیر کمی را تعیین کنیم. با استفاده از این آزمون می‌توان به این سؤال پاسخ داد که آیا افزایش سطح آگاهی با افزایش نگرش مثبت و رفتار بازیافتی همراه است یا خیر؛ علاوه بر این، با انجام آزمون رگرسیون خطی می‌توان به این سؤال پاسخ داد که کدام یک از متغیرهای آگاهی و نگرش، پیش‌بینی‌کننده بهتری برای رفتار بازیافتی هستند. این تحلیل کمک می‌کند تا عوامل مؤثر بر رفتار بازیافتی بهتر شناسایی شوند و در نتیجه برنامه‌های آموزشی و ترویجی مؤثرتری برای ارتقای فرهنگ بازیافت در جامعه طراحی گردد.

به این ترتیب، نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش حاضر بر اساس ضریب همبستگی پیرسون به شرح جدول زیر است:



جدول شماره (۳). نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

رابطه بین متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تفسیر
آگاهی و نگرش	۰/۸۶۸	۰/۰۰۰	رابطه بسیار قوی و مثبت است؛ افزایش آگاهی منجر به افزایش نگرش مثبت می‌شود.
آگاهی و رفتار	۰/۹۵۷	۰/۰۰۰	رابطه بسیار قوی و مثبت است؛ افزایش آگاهی منجر به افزایش رفتار مطلوب می‌شود.
نگرش و رفتار	۰/۸۳۳	۰/۰۰۰	رابطه بسیار قوی و مثبت است؛ افزایش نگرش مثبت منجر به افزایش رفتار مطلوب می‌شود.

در نهایت بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، بین آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی در بین زنان شهر ایلام، رابطه قوی و مثبت وجود دارد؛ یعنی با افزایش سطح آگاهی افراد، نگرش مثبت آنها نسبت به بازیافت نیز افزوده می‌شود و در نتیجه، رفتار بازیافتی آنها بهبود می‌یابد. بر اساس سطح معناداری آماری می‌توان گفت که مقادیر بسیار پایین Sig. (-2tailed) در همه موارد نشان می‌دهد که این روابط به طور تصادفی رخ نداده‌اند و از نظر آماری معنی دار هستند.

نتایج آزمون رگرسیون خطی

اگرچه همبستگی پیرسون می‌گوید که دو متغیر تا چه اندازه با هم رابطه دارند؛ اما رگرسیون خطی یک گام فراتر می‌رود و این امکان را فراهم می‌کند تا با داشتن مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز پیش‌بینی شود.

جدول شماره (۴). آزمون رگرسیون خطی برای چگونگی رابطه بین سه متغیر آگاهی، نگرش و رفتار بازیافتی شهروندان

زن در شهر ایلام

متغیر مستقل	ضریب بتا (β)	مقدار p	نتیجه
آگاهی	۰/۹۵۰	۰/۰۰۱	معنی دار و مثبت
نگرش	۰/۰۰۹	۰/۷۶۸	غیر معنی دار

در مجموع، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مدل رگرسیون به طور کلی معنی دار بوده است و تفسیر آن به شرح زیر است:

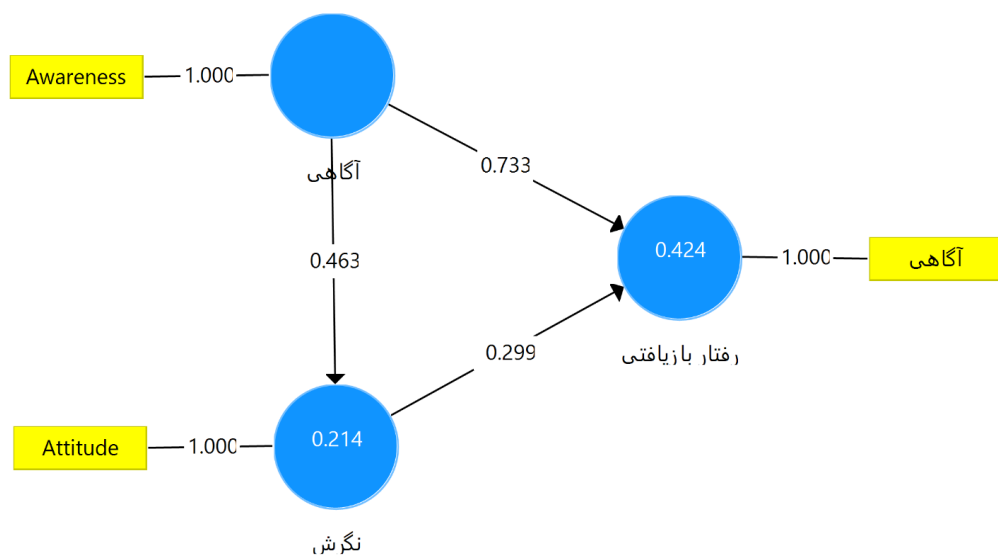
- آگاهی: افزایش یک واحد به آگاهی، به طور متوسط ۰,۹۵۰ واحد در رفتار بازیافتی افزایش ایجاد می‌کند.

- نگرش: تأثیر معنی داری بر رفتار بازیافتی ندارد.

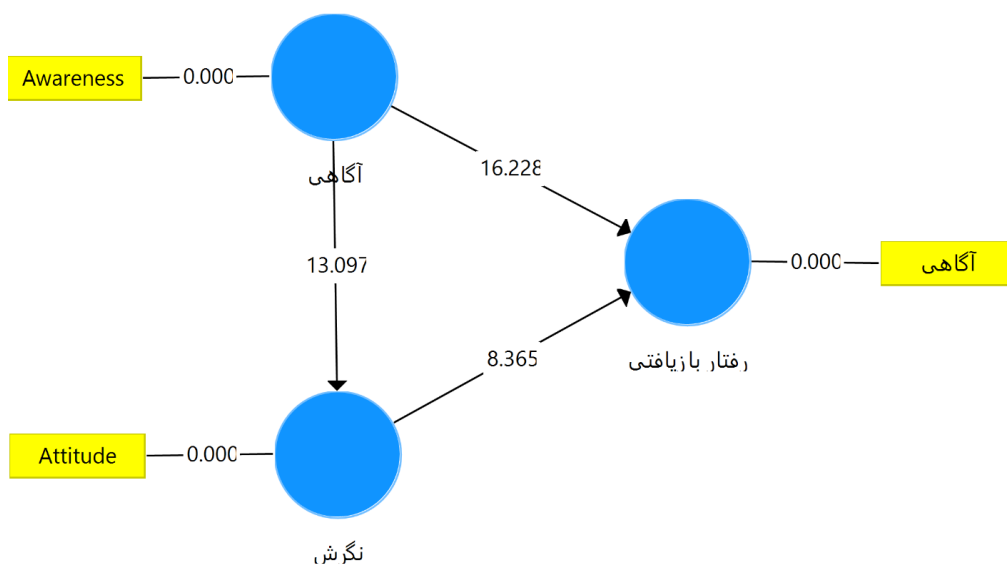


نتایج مدل ساختاری: بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل

آزمون مدل ساختاری پژوهش، ابزاری حیاتی در تحلیل‌های آماری است که به محققان امکان می‌دهد روابط پیچیده بین متغیرها را به طور جامع بررسی کنند. این آزمون با فراتر رفتن از حد یک بررسی روابط ساده و مستقیم، به شناسایی اثرات غیرمستقیم و کل می‌پردازد. این امر به درک عمیق‌تر نحوه تعامل متغیرها، شناسایی مسیرهای تأثیرگذاری و ارزیابی نقش متغیرهای میانجی کمک می‌کند. در پژوهش حاضر، نتایج مدل‌های ساختاری به شرح زیر است:



نمودار (۲). مدل بر اساس ضرایب استاندارد شده



نمودار (۳). مدل بر اساس ضرایب معناداری



جدول شماره (۵). خلاصه یافته‌های پژوهش، شامل اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بین متغیرهای مدل

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	T اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	T اثر غیرمستقیم	اثر کل	اثر کل
آگاهی	رفتار بازیافتی	۰/۷۳۳	۱۶/۲۲۸	۰/۱۳۸	۶/۴۰۹	۰/۸۷۱	۹/۷۵۰
آگاهی	نگرش	۰/۴۶۳	۱۳/۰۹۷	-	-	۰/۴۶۳	۱۳/۰۹
نگرش	رفتار بازیافتی	۰/۲۹۹	۸/۳۶۵	-	-	۰/۲۹۹	۸/۳۶

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آگاهی، تأثیر معناداری بر رفتار بازیافتی دارد؛ به طوری که اثر مستقیم آن ۰/۷۳۳ با مقدار $T=16.228$ است. اثر غیرمستقیم آن نیز از طریق نگرش برابر با ۰/۱۳۸ با مقدار $T=6.409$ محاسبه شده است؛ بنابراین اثر کل آگاهی بر رفتار بازیافتی برابر ۰/۸۷۱ می‌باشد که مقدار T کل آن ۹/۷۵۰ نشان‌دهنده معناداری این رابطه است.

رابطه آگاهی و نگرش نیز تأیید شده است؛ به طوری که اثر مستقیم آن ۰/۴۶۳ با مقدار $T=13.097$ به دست آمده و از آنجایی که هیچ اثر غیرمستقیمی گزارش نشده است، اثر کل نیز برابر با ۰/۴۶۳ با مقدار T کل ۱۳/۰۹ باقی می‌ماند.

در نهایت، تأثیر نگرش بر رفتار بازیافتی نیز معنادار است؛ به طوری که اثر مستقیم آن ۰/۲۹۹ با مقدار $T=8.365$ محاسبه شده است و از آنجایی که هیچ اثر غیرمستقیمی گزارش نشده، اثر کل آن نیز ۰/۲۹۹ باقی می‌ماند که مقدار T کل آن ۸/۳۶ نشان‌دهنده معناداری این رابطه است.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که آگاهی هم به طور مستقیم و هم از طریق نگرش، تأثیر چشمگیری بر رفتار بازیافتی دارد. نگرش نیز نقشی واسطه‌ای در این ارتباط ایفا می‌کند؛ از این رو، ارتقای سطح آگاهی می‌تواند به بهبود نگرش و در نهایت، تقویت رفتار بازیافتی منجر شود.

آزمون سابل (Sobel Test) برای بررسی اثر میانجی‌گری نگرش

آزمون سابل برای بررسی معناداری اثر غیرمستقیم در مدل‌های میانجی استفاده می‌شود و بررسی می‌کند که آیا مسیر غیرمستقیم بین متغیر مستقل و وابسته از طریق متغیر میانجی، معنادار است یا خیر.

در فرمول این آزمون:

- a: ضریب مسیر از متغیر مستقل به متغیر میانجی (آگاهی → نگرش)
- b: ضریب مسیر از متغیر میانجی به متغیر وابسته (نگرش → رفتار بازیافتی)
- SE_a: انحراف معیار مسیر a
- SE_b: انحراف معیار مسیر b

مقادیر مورد نیاز برای محاسبه:

• $a = 0.463, SE_a = 0.035$



• $b = 0,299$ ، $SE_b = 0,036$

اکنون آزمون سابل انجام داده می شود.

مقدار Z آزمون سابل برابر $7/034$ است.

با توجه به اینکه مقدار Z بزرگتر از $1,96$ (برای سطح معناداری $0,05$) و بزرگتر از $2,58$ (برای سطح معناداری $0,01$) است، می توان نتیجه گرفت که اثر غیرمستقیم آگاهی بر رفتار بازیافتی از طریق نگرش معنادار است.

این یافته تأیید می کند که نگرش، نقش میانجی معناداری در رابطه بین آگاهی و رفتار بازیافتی دارد.

جدول شماره (۶). نتایج آزمون سابل برای بررسی نقش میانجی نگرش در رابطه بین آگاهی و رفتار بازیافتی

معناداری (p)	Z آزمون سابل	SE مسیر b	ضریب مسیر b	SE مسیر a	ضریب مسیر a	مسیر
$0,05 >$	سابل					آگاهی → نگرش → رفتار بازیافتی
بله	$7/034$	$0/036$	$0/299$	$0/035$	$0/463$	

نتایج آزمون سابل نشان می دهد که مسیر «آگاهی → نگرش → رفتار بازیافتی» دارای اثر غیرمستقیم معنادار است. مقدار ضریب مسیر آگاهی به نگرش (a) برابر $0/463$ با انحراف معیار $0/035$ و ضریب مسیر نگرش به رفتار بازیافتی (b) برابر $0/299$ با انحراف معیار $0/036$ به دست آمد. مقدار Z آزمون سابل برابر $7/034$ است که بالاتر از مقدار بحرانی $1/96$ (برای سطح معناداری $0,05$) و $2/58$ (برای سطح معناداری $0,01$) می باشد؛ بنابراین این مسیر در سطح اطمینان 99% معنادار است و نشان می دهد که نگرش، نقش میانجی معناداری در رابطه بین آگاهی و رفتار بازیافتی دارد. این یافته ها اهمیت ارتقای آگاهی را نشان می دهند؛ زیرا می تواند از طریق بهبود نگرش، تأثیر مثبتی بر رفتار بازیافتی داشته باشد.

پیشنهادات پژوهش

بنا به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهاداتی به شرح زیر مطرح می شود:

- آموزش و آگاهی رسانی مستمر در مورد اهمیت بازیافت و روش های صحیح آن از طریق برگزاری کارگاه ها، سمینارها و کمپین های اطلاع رسانی.

- ایجاد زیرساخت های مناسب، همچون: فراهم کردن سطل های تفکیک زباله در مکان های عمومی و خصوصی، ایجاد مراکز جمع آوری زباله های قابل بازیافت و توسعه سیستم های جمع آوری و پردازش زباله.

- تشویق و انگیزش از طریق ارائه پاداش ها و تخفیف ها به افرادی که به طور فعال در



بازیافت مشارکت می‌کنند.

- همکاری بین بخشی، همچون: همکاری بین شهرداری‌ها، سازمان‌های محیط زیستی، مدارس و سایر نهادها برای اجرای برنامه‌های جامع بازیافت.

- توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی، همچون: در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تشویقی.

با اجرای این پیشنهادات و با همکاری همه‌جانبه، می‌توان به جامعه‌ای پایدارتر و با محیط‌زیست سالم‌تر دست یافت.

الف) فارسی

- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲)، روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: کیهان.
- اکبری، مرضیه، حبیب‌الله رحیمی، فاطمه حمامیان زواره، غلامرضا مصطفایی و حسن رحمانی (۱۴۰۱)، «بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد زنان شهر کاشان در خصوص بازیافت مواد زائد»، طبع بهداشت یزد، سال ۲۱، شماره ۳.
- حاجی‌زاده، یعقوب، قاسم کیانی فیض‌آبادی، عارف رضایی، علی صادقی حسن‌آبادی، سعید فدایی، محمد درویش متولی و حسین کریمی منجرمویی (۱۳۹۸)، «بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد شرکت‌کنندگان در طرح بازیافت پسماندهای خانگی در شهر حسن‌آباد در سال ۱۳۹۶»، تحقیقات نظام سلامت، دوره ۱۵، شماره ۱.
- قلی‌پور، کیانوش، منصور حقیقتیان و سیدعلی هاشمیان‌فر (۱۳۹۵)، «بررسی نقش شهروندی زیست‌محیطی زنان بر بازیافت زباله‌های خانگی در شهر شیراز»، زن و جامعه، سال هفتم، شماره دوم.
- گراوند، اصغر، فرشته زمانی علیوجه، اکبر حسن‌زاده و حمیدرضا پورزمانی (۱۳۹۹)، «بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد زنان خانه‌دار شهر کوه‌دشت در رابطه با بازیافت پسماند در سال ۱۳۹۸»، تحقیقات نظام سلامت، سال ۱۶، شماره ۳.
- محسنی تیریزی، علیرضا (۱۳۸۰)، «بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روانشناختی اجتماعی». نمایه پژوهش، شماره ۱۸.
- مصطفی‌پور، کامبیز و عباس خدابخش (۱۳۹۹)، «طراحی و تبیین الگوی اثربخشی سرمایه اجتماعی بر بازیافت زباله (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۷، شماره ۲.

ب) انگلیسی

- Aaniamenga Bowman, Patrick, Ziblim, Shamsu – Deen (2020). "Households' Knowledge, Attitudes, and Practices towards Municipal Solid Waste Disposal". *Journal of Studies in Social Sciences*. ISSN -2201 4624. Volume 6, 2020, 19
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 211-179 ,(2)50.
- Ajzen, I. & Fishbein, M. (1980). *Understanding attitudes and predicting social behavior*: Prentice- Hall, Inc., Upper Saddle River, NJ 07458.
- Awang, Yunitam Suhaiza Ismail, Abdul Rahim Abdul Rahman. (2016). MEASURING THE POTENTIAL FOR FINANCIAL REPORTING FRAUD IN A HIGHLY REGULATED INDUSTRY. *The International Journal of Accounting and Business Society*. Vol. 24, No. 1. Pp. 97 -81.
- Buchan, H. F. (2005). Ethical decision making in the public accounting profession: An extension of Ajzen's theory of planned behavior. *Journal of Business Ethics*, 181-165 ,(2)61.
- Carpenter, T. D., & Reimers, J. L. (2005). Unethical and fraudulent financial reporting: Applying the theory of planned behavior. *Journal of Business Ethics*, 129-115 ,(2)60.
- Doll, J., & Ajzen, I. (1992). Accessibility and stability of predictors in the theory of planned behavior. *Journal of personality and social psychology*, 754 ,(5)63.
- Dubinsky, A. J., & Loken, B. (1989). Analyzing ethical decision making in marketing. *Journal of Business Research*, 107-83 ,(2)19.
- Francis, J. J., Eccles, M. P., Johnston, M., Walker, A., Grimshaw, J., Foy, R. Bonetti, D. (2004). Constructing questionnaires based on the theory of planned behaviour. *A manual for health services researchers*, 12-2, 2010.
- Harding, T. S., Mayhew, M. J., Finelli, C. J., & Carpenter, D. D. (2007). The theory of planned behavior as a model of academic dishonesty in engineering and humanities undergraduates. *Ethics & Behavior*, 279-255 ,(3)17.
- Kattoua, Mary G., Al-Khatib, Issam A., Kontogianni, Stamatia (2019). "Barriers on the propagation of household solid waste recycling practices in developing countries: State of Palestine example". *Journal of Material Cycles and Waste Management*.
- Kaza, S., L. Yao, P. Bhada-Tata, and Van Woerden, F., (2020). *What a Waste 2.0: A Global Snapshot of Solid Waste Management to 2050*. World Bank Group, Washington, DC.
- Leonard, L. N. K., Cronan, T. P., & Kreie, J. (2004). What influences IT ethical behavior intentions—planned behavior, reasoned action, perceived importance, or individual characteristics? *Information & Management*, 158-143 ,(1)42.
- Mannetti, L., Pierro, A., Livi, S. (2004). Recycling: Planned and self-expressive behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 236-227 :24.
- Moloney B, Doolan M. A., (2016), comparison of obstacles in emerging and developed nation dry waste recovery. *Procedia CIRP*. No 40, PP 352-347.
- Myers, D. G., Twenge, J. M. (2022). *Social psychology*. New York: McGraw Hill.
- Premakumara, DGJ. 2011. *Survey of household solid waste generation and public awareness on waste separation and composting practices in Cebu city*. Japan: Institute for Global Environmental Strategies.
- Tonglet, M., Phillips, P. S., & Read, A. D. (2004). Using the theory of planned behaviour to investigate the determinants of recycling behaviour: a case study from Brixworth, UK. *Resources, Conservation and Recycling*, 214-191 ,(3)41 1.

منابع و مأخذ